

# همه چیز درباره حضانت فرزندان

ابوین او جدا از یکدیگر زندگی می‌کنند، اولویت را تا هفت سالگی به مادر داده و پس از آن به پدر و چنانچه اختلافی پس از هفت سالگی حادث شود به رعایت مصلحت طفل این تشخیص به عهده دادگاه گذاشته شده است (تبصره الحاقی ۸/۹۸۳۸۲) ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی.

حضانت را نباید با ولایت یکی دانست، زیرا ولایت اختیاراتی است قهری که قانون برای پدر و جد پدری در نظر گرفته است که آنان باید بر اساس خیر و صلاح کودک عمل کنند که این حق حتی پس از مرگ آنها با وصیت قابل انتقال است که در فقه، ولایت را ولایت برنفس، مال و حقوق اطفال می‌دانند.

با چشمان معصومش گاهی به پدر و گاهی به مادرش خیره می‌شد و از رفتار والدینش احساس می‌کرد که اتفاقی در شرف وقوع بوده که مهم‌ترین اتفاق پس از جدایی والدین است. تصمیم در خصوص ادامه زندگی مشترک یا جدایی و طلاق کاملاً شخصی محسوب می‌گردد و از حقوق مدنی و فقه و شریعت سرچشمه می‌گیرد، اما در جایی که پای طفل در میان است قانون به نفع طفل مداخله کرده و در صورت بروز اختلاف و عدم توافق والدین با یکدیگر مستند به ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی برای حضانت و نگهداری طفلی که



شهیار مقدم

حقوقدان



حضانت چیست؟ در پاسخ به این سوال حضانت را نگهداری و مراقبت همه جانبه روانی، مادی، معنوی و آموزش و پرورش و تربیت طفل می‌دانیم که در ماده ۱۶۸ قانون مدنی آن را حق والدین و همچنین تکلیف آنان بر شمرده است، لذا پدر و مادر علاوه بر این که حق نگهداری اطفال خود را دارند، مکلف به حضانت از فرزند نیز هستند به عبارت دیگر همان‌گونه که حق آنان است که طفل را نزد خود نگه دارند، حق ندارند او را به حال خود رها سازند، چرا که در آموزه‌های دینی و قوانین کشور ما به رشد متعادل و کامل شخصیت کودک در محیط امن خانواده، همراه با محبت، عشق و تفاهم به عنوان مهم‌ترین بستر رشد کودک توجه فراوان شده است.

پدر و مادر می‌توانند چنانچه برخلاف مصلحت طفل نباشد از حق حضانت خود صرف‌نظر کرده و به نفع یکدیگر این حق را واگذار نمایند، زیرا گاهی به دلایلی از جمله وابستگی‌های شدید طفل به یکی از والدین مصلحت طفل اقتضاء می‌کند که این حق ساقط گردد که در این‌گونه موارد همان‌گونه که ذکر شد دادگاه ممکن است حتی بدون وجود عیب یا ایرادی، حضانت را به طرف دیگر واگذار کند.

در فرض قانون، اولویت حضانت تا هفت سالگی با مادر است پس در صورت بروز اختلاف و جدایی والدین، مادر طفل هیچ نیازی به اثبات حق حضانت خود نداشته و فقط با مراجعه به دادگاه، در صورتی که طفل

نزد همسرش باشد به سرعت و بدون رعایت تشریفات قانونی حکم استرداد طفل صادر و این حکم بلافاصله اجرا می‌شود که قانونگذار ضمانت اجرای استرداد طفل را در ماده ۴۰ قانون حمایت از خانواده بازداشت شخص مستنکف تا زمانی که طفل را به دیگری مسترد نماید، قرار داده است. لازم به ذکر است حضانت فرزندی که پدرشان فوت شده با مادر آنهاست مگر آن‌که دادگاه به تقاضای ولی قهری یا دادستان، اعطای حضانت به مادر را خلاف مصلحت فرزند تشخیص دهد.

به این ترتیب قانون نقش بسیار پررنگی در این مورد ایفا می‌کند و در هر جا اگر توافقات والدین برخلاف مصلحت طفل باشد، دادگاه می‌تواند به تشخیص خود توافقات راجع به

## شرط سنی کودکان

حال برمی‌گردیم به بحث شرایط سنی کودکان با ذکر این نکته که پس از هفت سالگی چنانچه فرزند پسر باشد با رعایت شرایطی که ذکر شد تا ۱۵ سالگی نزد پدر بوده و از آن پس خود می‌تواند تصمیم بگیرد که نزد پدر باشد یا با مادرش زندگی کند و اگر فرزند دختر باشد تا ۹ سالگی حق حضانت با پدر است و از آن به بعد از سن حضانت خارج می‌شود و خود می‌تواند تصمیم بگیرد که با کدام یک از والدین زندگی کند، لذا در بحث زمان پایان حضانت، رسیدن کودک به سن بلوغ و رشد برای خروج از حضانت لازم است. نکته قابل توجه این که شخصی که حضانت فرزند به او واگذار می‌شود باید دارای شرایطی باشد که ذکر آنها لازم است.

- ۱- عقل ۲- توانایی عملی ۳- سلامت جسمانی و عدم ابتلا به بیماری‌های مسری
- ۴- صلاحیت اخلاقی ۵- اسلام ۶- سکونت در محل ثابت ۷- مجرد ماندن و عدم ازدواج مادر

در پایان باتوجه به این که حضانت حق والدین است بسیار شنیده می‌شود که والدین به علت ناآگاهی از حقوق خود دچار مشکلات حقوقی می‌شوند، امید است که با این مطلب کمکی به آرامش خانواده‌ها شده باشد.

## نکته مهم

در هر شرایطی حق ملاقات فرزندان جدای از این که حضانت با چه کسی است به قوت خود باقی است و والدین طبق توافق یا به حکم قانون در فواصل زمانی معین (روزانه، هفتگی، ماهانه و...) حق دیدار فرزند خود را داشته و ابتلا یا اشتباه به اعتیاد، فساد اخلاقی و... مانع ملاقات فرزند نیست لکن با نظارت افراد معتمد و در محیط مناسب و تحت شرایطی این ملاقات‌ها می‌تواند صورت پذیرد.

می‌شود به طبقات سه‌گانه و به ترتیب اولویت واگذار می‌شود.

گاهی اوقات حضانت که مجموعه توجهات و مراقبت‌هایی است که قبلاً تعریف شد در حین انجام آن با مشکلاتی مواجه می‌شود و درست است که طبق قانون حضانت به یکی از والدین واگذار شده اما به دلایلی همچون جنون مادر در مدتی که حضانت طفل با اوست یا ازدواج مادر، حق نگهداری به پدر واگذار می‌شود یا این که مواردی چون اعتیاد زبان‌آور به الکل و مواد مخدر یا اشتباه به فساد اخلاقی و فحشا یا ابتلا به بیماری‌های روانی به تشخیص پزشکی قانونی و همچنین سوءاستفاده از طفل و اجبار وی به ورود به مشاغل ضد اخلاقی مانند فساد و فحشا، تکدیگری و قاچاق و نیز تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف و در واقع استمرار آن به تقاضای هر یک از نزدیکان طفل یا قیم یا رئیس حوزه قضایی، محکمه می‌تواند هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند اتخاذ کند.

موارد یاد شده به عنوان مثال آورده شده است و دامنه مراقبت و توجه قانون می‌تواند بیش از موارد یاد شده باشد که البته اثبات عدم صلاحیت والدین یا هر یک از آنها با شخصی است که مدعی است و صرف ادعا به هیچ عنوان محکمه پسند نخواهد بود.